
شبه‌ای از وکالت دادگستری در کشورهای متحده امریکا

موقعیکه کشورهای متحده امریکا بوجود آمد و بانیان اولیه آن از خودکامگی و ستمگری حکام دولت انگلستان بستوه آمده و علیه حکومت استعماری بریتانیا بپاخواستند برآن شدند که بعد از آنهمه بی‌اعتنائی به حقوق فردی حکومتی برای ملت نوین خود تأسیس نمایند. که اعمال زور و خودمختاری و تجاوز به افراد در آن راهی نداشته باشد. بنابراین حکومتی را که برای خود در نظر گرفتند آنچنان حکومتی بود که از نخستین روز جمهوری رم تا آنزمان بوجود نیامده بود بعبارت دیگر مبنای اساسی آن براین اصل استوار بود که حکومت با قانون است نه با افراد. یعنی اصل حاکمیت قانون نه حاکمیت فردی.

نتیجه فلسفه قانونی اصل فوق‌الذکر این شد که مردم امریکا یکنوع آشنائی و احترام ویژه‌ای نسبت به قانون پیدا کردند قانونی که نگهبان برقراری صلح و آرامش در جامعه امریکائی بوده رعایت این احترام توسط افرادی که آموزش تخصصی در زمینه قانون داشته و آنرا اعمال و تغییر و توجیه و پرورش میدادند یعنی وکلاء دادگستری بیشتر احساس میگردید.

حرفه وکالت در جامعه امریکائی از موقعیت و مقام ممتازی برخوردار بوده و مورد توجه و احترام ویژه‌ای است و وکیل دادگستری را تنها نمونه باقیمانده طرفدار تجدید حیات اجتماعی و حامی همگان شناخته شده است که خدمات ارزنده قانونی او برای هرکس مؤثر و مفید است. شاید در هیچ حرفه تخصصی، صاحبان آن حرفه تا این میزان در مکانیسم جامعه امریکا و در سراسر کشور یا شایستگی و استعدادهای گوناگون در رشته‌های مختلف مانند امور بازرگانی امور آموزش و پرورش - دستگاه‌های اجرائی و همچنین در بخش خصوصی دارای سمت و فعالیتی نمی‌باشد. این گروه تحصیلکرده متخصص بنحو چشمگیری مجهز به تحصیلات حقوقی

در رشته‌های مختلفی هستند که با صلاحیت و تخصص کافی قادرند تصدی هرامری را که بآنها واگذار میشود بپذیرند و وظائف محوله را به بهترین وجهی ایفا کنند. وکیل دادگستری از دید سایر افراد جامعه فردی است مورد احترام و در عین حال مورد احتیاط زیرا هوش سرعت انتقال و توانائی اندیشه و قدرتی که وکیل دارد او را در نزد افراد محترم میسازد و احتیاطی که از او دارند بر اثر وقوف مردم نسبت بوجود خصوصیات و ویژگیهای مذکور برای وکیل است که احتمال دارد از آنها استفاده نامطلوب نموده و یا برخلاف انتظار بزبان مصلحت دیگری بکار برده شود. رویداد اخیر واترگیت خود نمونه بارزی از هردو حالت است. در کشور امریکا وکلائی هستند که از قدرت شخصی و دانش حقوقی خود استفاده ناپسندیده مینمایند و تعدادی دیگر اعمال قدرت مینمایند تا استفاده‌کنندگان ناصواب را به دستگاه عدالت معرفی نمایند. در تاریخ امریکا چیزی بارزتر از این نمیتوان یافت که بهترین و گاهی بدترین وکلاء دادگستری را نشان میدهد و از اینرو افراد عادی در عین حالیکه باین طبقه پادیده احترام مینگرند ضمناً جانب احتیاط را هم از دست نمیدهند و این نشانه‌ای از قدرت وکیل دادگستری در جامعه است که میرساند سیستم حقوقی امریکا در واقع جامعه‌ای بوجود آورده است که در آن جامعه قانون حکومت دارد نه افراد.

تصور افراد عادی آنست که چون وکلاء دادگستری بر اثر تحصیلات حقوقی و قدرت خود از موقعیت اجتماعی نسبتاً ممتازی بهره‌مند میگردند پس بهمین تناسب نیز وضع اقتصادی و مالی ایشان باید بهتر از سایرین باشد در حالیکه این امر کلیت ندارد و جالب آنکه از اواسط سالهای ۱۹۶۰ بعد میانگین درآمد وکلاء در کشورهای متحده امریکا فقط کمی بالاتر از دوازده هزار دلار در سال بوده است و این رقم اندکی بیش از میزان درآمد افرادی است که حقوق‌بگیر بوده‌اند و حال آنکه در امریکا عقیده مردم عموماً غیر از این میباشد. بخش عمده درآمدی که وکلاء از امور وکالتی عایدشان میشود در بین تعدادی از وکلاء دیگر که در دفاتر حقوقی بزرگ کار میکنند پخش میگردد. قدر مسلم آنست که اکثر وکلاییکه مستقلاً به امر وکالت اشتغال دارند و یا با دفاتر حقوقی کوچکتري کار میکنند وکلائی هستند که در شهرهای کوچک سکونت دارند یا در استخدام دولت فدرال و یا ایالتی و یا شهرداری یا مؤسسات فرهنگی هستند والا در شهرهای بزرگ نوعاً دفاتر حقوقی بزرگی وجود دارند که هرکدام از صدها وکیل دادگستری در رشته‌های مختلفه تشکیل شده و از هر حیث مؤسسات مجرب و عظیمی هستند که با وزارتخانه‌ها برابری میکنند.

این واقعیت که درآمد وکلاء دادگستری از درآمد سایر مردم بیشتر است باین جهت میباشد که عموم آنها تحصیلات دانشگاهی دارند باین معنی که بعد از دوره لیسانس چند سال دیگر نیز در دانشگاه به تحصیلات خود ادامه میدهند. معذک این حقیقت وجود دارد که گرچه وکلاء دادگستری از حیث درآمد و تمول طبقه

مرفه‌ی را تشکیل می‌دهند اما این امر عمومیت ندارد و نیز این موضوع صحیح است که امور وکالتی برای وکلاء دادگستری فرصتهای بهتری نسبت بسایرین ایجاد میکند که میتوانند در فعالیت‌های سودآور ذیتفع شوند و غالباً از طریق قبول سهام شرکت‌های بازرگانی بجای حق‌الوکاله نقدی در شرکت‌های بزرگ پول‌ساز شریک میشوند. در واقع تعداد قابل ملاحظه‌ای از وکلاء دادگستری تمام استعداد و ذکاوت خود را بکار میگیرند تا بصورت یک بازرگان یا سهامدار شرکت تجارتي درآیند و بالنتیجه عملاً از ادامه اشتغال به امر وکالت کناره میگیرند. بدیهی است بدین ترتیب بسیاری از وکلاء دادگستری به ثروت و مکنّت فراوان میرسند.

همانطور که در بالا اشاره رفت وکلاء دادگستری تنها طبقه‌ای هستند که میتوانند با استمداد از دانش حقوقی خود رشته‌های مختلفی از امور گوناگون را اداره کنند و بخوبی از عهده آن برآیند. یکی از مهمترین ویژگیهای دانش حقوقی آنست که وکیل بطرز مخصوصی میاندیشد و تفکر میکند یعنی بطور منطقی منظم و حساب شده.

توانائی کاربرد نمونه تفکر مذکور بنحو منطبق و منضبط در پیروزی و پیشرفت یک وکیل شایسته اهمیت بسزائی دارد. سالمائی را که یک دانشجوی حقوق در دانشگاه میگذراند برای آن نیست که در «رشته حقوق» تحصیلات مفصل و عمیقی بنماید و یا درباره هر رشته از حقوق اطلاعاتی بیاموزد. زیرا سیستم حقوقی امریکا بقدری وسیع و دامنه‌دار و پراکنده است که احاطه و تسلط بر همه آنها مسلماً غیر ممکن است برای نمونه توضیح میدهد که پنجاه و یک مجموعه قوانین در سراسر امریکا وجود دارد علاوه براین قوانین جداگانه هر یک از پنجاه ایالت و قوانین فدرال وجود دارد که در هر دعوی قوانین مصوب کنگره و همچنین قوانین قضائی (تصمیمات قضائی که توسط قاضی اتخاذ و مورد گزارش و جمع‌آوری قرار میگیرد) دارای قدرت و اعتبار قانونی است و رویه قضائی نامیده میشود).

هدف اساسی دانشکده‌های حقوق در امریکا برای کسانی که میخواهند در آینده وکیل دادگستری شوند مجهز کردن دانشجویان مذکور به نکات زیر است:

- (۱) آشنائی صحیح نسبت به اصول حقوقی.
- (۲) آشنائی عمومی با قوانین و رویه‌های حقوقی در هر یک از امور حقوقی.
- (۳) قدرت اندیشیدن و آنالیز مسائل و مجموعه واقعیت‌ها و شکل دادن آن در قالب‌های حقوقی و بالاخره طرح و اقامه ادعای موکل در چهارچوب قوانین و رویه‌های پذیرفته شده حقوقی.

اینک با التفات باینکه هیچ حقوقدانی در امریکا نمیتواند نسبت به کلیه قوانین آگاه و بصیر باشد و از طرفی قانون از طریق دستگاه تقنینیه و مراجع قضائی (تفسیر و تمبیر قضات و استنباط آنها از متون قانونی) پیوسته در معرض تغییر میباشد و از طرف دیگر مهمترین مهارت وکیل دادگستری توانائی او در تفکر سیستماتیک و تجزیه و تحلیل مسائل است لذا دانشکده‌های حقوق امریکا دانشجو را

با متد سقراطی آشنا میسازند و استدلال و قدرت آنالیز و کشف واقع از راه تردید و تحقیق را باو میآموزند. دانشجوی حقوق عادت ندارد که يك مشت محفوظات قانونی بدست بیاورد زیرا حفظ اطلاعات حقوقی نقش ناچیزی در دانش او دارد. از آغاز تحصیل به دانشجوی حقوق میآموزند در اظهارنظر نسبت بمسائل حقوقی بر قضاوت شخصی خویش متکی باشند و تصمیمات مستدل پذیرفته شده را در جهت توجیه و تفهیم نظریه خویش بکاربرند و عادت کنند که با استادان خود در جلسات سمینار به مباحثه بپردازند، از نظریه و فکر خود دفاع کند و آنچه را که بنظرش صحیح نمیرسد مردود نماید. چون در رشته حقوق در دوره دانشکده مسائل تئوری و عملی هر دو تدریس میشود لذا در مورد رویه‌های قضائی (که عبارت از تصمیماتی است که اعتبار قانونی پیدا کرده و بصورت گزارش‌هایی در چندین مجله بچاپ رسیده است) بدانشجو آموزش داده میشود که او دعوی مطروحه را شکل دهد و از طریق «سؤال و مباحثه» براساس رویه‌های قضائی از نظریه خود طرفداری و استدلال کند.

متد «رویه‌های قضائی» فرصتی بدانشجو میدهد تا با دعاوی واقعی مختومه که منتهی به رأی قطعی گردیده و در موارد مشابه الگو و ضابطه اظهارنظر قرار میگیرد آشنا گردند و دعاوی مزبور که براساس چکیده استنباط تجربی قضات بصیر منجر به رأی گردیده حاوی مسائل و عقاید حقوقی است که مبتنی بر يك اصل واحد است و مطالعه دعاوی مختومه که منجر برویه قضائی گردیده و نتایج حاصله از آن مسائل منطقی و استدلالات قانونی مذکور در آن و بالاخره پیاده کردن قانون در چهارچوب موضوع دعوی کلا مورد بحث و گفتگو و انتقاد در سرکلاس قرار میگیرد. بعد واقعیت‌ها و شکل دعوی را تغییر داده و مطالب و نکات دیگر فرضی بجای آن قرار میدهند و دانشجویان باید موضوعات و مسائل را براساس تغییرات فرضی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و از نظریه خود در محدوده دعوی فرضی دفاع نمایند. دانشجو با این ترتیب یاد میگیرد که روی پای خود بایستد و خوب فکر کند. در عمل پژوهش حقوقی يك وسیله مؤثری است که دانشجو بتواند به کمک آن موقعیت و شکل دعوی را تشخیص دهد و از استدلال قانونی جهت اثبات عقیده خود استفاده کند. برطبق اصل حقوقی انگلوساکسون دعاوی مختومه قبلی رویه‌های حقوقی را بوجود میآورد که خلاصه نظرات قضائی است که با اجتهاد قضائی شخصی خود در دعاوی مختلفه ایجاد اعتبار قانونی نموده‌اند. این نظرات قضائی (که در برابر قانون عرض اندام میکنند) که حکم قانون را دارند میتوانند قوانین را با ظرافت و لطف خاصی که در استنباط خود نسبت به قوانین ارائه میدهند تغییر دهند بنابراین ضرورت دارد که در دوره تحصیلات حقوقی بدانشجو آموخته شود که در اثبات نظریه و تشخیص خود تعدادی رویه‌های قضائی که ارتباط با دعوی مطروحه فرضی دارد بکار برد و براساس آن استدلال نماید و بهمین نحو باید بیاموزد که با تحقیق و پژوهش در کتب حقوقی میتواند ثابت کند که دعوی بخصوصی را

نمی‌توان بر طبق رویه حقوقی خاصی باثبات رساند. بنابراین یک وکیل دادگستری باید از طریق تحقیق و آگاهی نسبت به تعداد کثیری رویه‌های حقوقی و اطلاع از نحوه و شکل استدلال‌های مندرج در هر یک از رویه‌ها شایستگی و صلاحیت لازم را بدست آورد تا اینکه بداند کجا و چگونه می‌تواند رویه‌های حقوقی لازم و مفید را که نسبت به خصوص مورد به‌کار او می‌آید و گوشه خاصی از قانون را روشن کرده است تحصیل نماید.

«پژوهش و تحقیق است. یک وکیل خوب و ایده‌آل آنست که وقتی موکل مشکل خود را با او در میان می‌گذارد که از طریق اقامه دعوی او را به حق خود برساند باید نسبت به مورد تعمق و غور کند و کلیه طرق مشابهی را که ممکن است از آن طریق دعوی را در قالب مربوطه شکل داد بررسی کند و تمام اطراف و جوانب هر یک از طرق مشابه را مطالعه و با یکدیگر مقایسه نماید و مشکلات و نارسائی‌های مقدر هر یک را پیش‌بینی نماید و کلیه عوامل را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و سرانجام موقعیت و وضع خاص دعوی موکل را من جمیع الجہات تشخیص دهد.

برای آنکه کسی وکیل دادگستری بشود لازم است که مدت هفت سال تحصیلات حقوقی دانشگاهی نماید که این مدت همراه با کار و تحقیق طاقت‌فرسائی است. مقررات و ضوابط پذیرفته شدن به کانون وکلا را کانون وکلای هر یک از ایالات مستقلاً تعیین و تدوین میکنند اما بطور کلی مقررات و شرائط لازم برای این امر بشرح زیر است:

۱) دانشنامه‌ایکه حاکی از اتمام دوره چهار ساله دانشکده حقوق باشد.

۲) دانشنامه‌ایکه نشان دهد داوطلب در یکی از دانشکده‌های معتبر حقوق سه سال دیگر تحصیلات حقوقی نموده است.

۳) موفقیت کامل در امتحانات دشوار کانون وکلا. ایالتی که داوطلب قصد وکالت در آنجا را دارد که امتحانات مذکور دو تا سه روز بطور متوالی صورت می‌گیرد معذک تعاونهائی هر یک از ایالات وجود دارد مثلاً سه ایالت‌اند که اگر داوطلب مذکور باید فارغ‌التحصیل از دانشکده حقوق همان ایالت باشد. اقدامات آزمایشی برای کوتاه کردن دوره تحصیلات حقوقی بعمل آمده مثلاً پاره‌ای دانشکده‌های حقوق تحصیلات سه‌ساله را طبق برنامه‌های ویژه‌ایکه با دانشگاه‌های وابسته بخود ترتیب داده‌اند کافی میدانند.

امتحانات لازم برای اخذ پروانه وکالت و احراز صلاحیت عملی بازم در ایالات مختلف تفاوت دارد. در پاره‌ای ایالات از هر صد نفر داوطلب وکالت نودوپنج درصد شرکت‌کنندگان در امتحانات پیروز میشوند و در برخی ایالات ۳۵ درصد معذک اقدامات مشترکی در جریان است که ضوابط و شکل واحدی برای آزمایشات وکالتی در سراسر پنجاه ایالت تهیه و تدوین شود.

بطوریکه ملاحظه گردید دوره کارآموزی وکالتی بشکلی که در کشور ما رایج است در امریکا وجود ندارد زیرا دانشجوی حقوق در طول تحصیلات حقوقی از روش

عملی و رویه‌های حقوقی و اصول و آئین دادرسی و شکل طرح دعوی و آشنائی به قالبهای حقوقی در مبحث دروس تجربه و بصیرت کافی تحصیل کرده است و دیگر بی‌نیاز از کارآموزی بعد از فراغت از تحصیل میباشد.

بعد از اینکه داوطلب وکالت از عهده امتحانات مقرر برآمده به‌عالیترین دادگاه ایالت پذیرفته میشود یعنی قانوناً واجد شرایط لازم جهت دادرسی در عالیترین مرجع قضائی میگردد. ضمناً وکیل مزبور باید بطور جداگانه درخواست پذیرش به دادگاه‌های فدرال و دادگاه‌های تخصصی از قبیل دادگاه‌های گمرکی و دادگاه‌های پژوهشی ثبت اختراعات نیز تسلیم کند. هرکلی می‌تواند فقط در ایالتی که پروانه وکالت خود را در آن ایالت اخذ کرده است بوکالت بپردازد ولی بطور خیلی محدود نیز در سایر ایالات و دادگاه‌های فدرال نیز مجاز خواهد بود. البته هرکلی پس از سالها تجربه وکالتی می‌تواند در صورتیکه مایل باشد درخواست پذیرفته شدن به‌کانون وکلاء دادگستری سایر ایالات را بنماید که این امر معمولاً در بین ایالات مختلف مبتنی براساس شرط متقابل میباشد ولی در غیر این صورت اگر وکیل دادگستری ساکن فیلادلفیا بخواهد در امر وکالتی مطروحه در دادگاه لوس‌آنجلس شرکت جوید ناگزیر است که از کانون وکلا کالیفرنیا کسب اجازه کند.

دانشکده‌های حقوق کشورهای متحده امریکا دانشجو را در رشته بخصوصی متخصص مینمایند و لوآنکه مطالعات تخصصی عمده‌ای برای بدست آوردن درجه فوق لیسانس در طول مدت دو سال افزوده بر دوره سه‌ساله لیسانس بعمل آورده باشد. در عمل اکثر وکلاء دادگستری امریکا بویژه آنهاییکه در دفاتر حقوقی بزرگ و معتبر بکار اشتغال دارند در رشته خاصی از حقوق تخصص دارند و این تخصص در نتیجه سالها تجربه عملی در آن رشته معین بدست آمده است. بنابراین وکلاء دادگستری نوعاً میکوشند که در یکی از رشته‌های حقوق تجربه و تخصصی بدست آورند و وکیل دادگستری غیرمتخصص معرفی نشوند.

قضات دادگستری هم آموزش تخصصی ندارند و حتی در پاره‌ای از دعاوی لازم نیست که حقوقدانان باشند گرچه عملاً همیشه از بین حقوقدانان تعیین شده‌اند. قضات یا از طریق انتصاب تعیین میشوند یا از طریق انتخاب. اکثراً قضاتیکه در دادگاههای عالیتر باید انجام وظیفه کنند منصوب میشوند معذک روش کار در همه ایالات بیکسان نیست. بعضی قضات دادگاه‌های شهرداری انتصابی و بسیاری دیگر انتخابی هستند. در مورد انتخابات قضائی کانون‌های وکلاء دادگستری غالباً صلاحیت و موقعیت وکلائی را که کاندیدای قضاوت هستند برای سهولت تصمیم‌گیری رأی-دهندگان و راهنمایی آنان به‌انتخاب بهترین کاندیداها منتشر کرده و در دسترس ساکنین و اهالی شهر قرار میدهند بنحویکه افرادی که فقط اطلاعات مختصری در باره کاندیداها دارند بدین‌ترتیب علم کافی باحوال و شایستگی آنان حاصل مینمایند و با اطمینان شناسائی کافی در انتخابات شرکت جسته و قضات خود را از بین وکلاء دادگستری تعیین مینمایند.

کانون وکلا دادگستری دارای اختیارات وسیعی است و میکوشد تا شان و اعتبار این حرفه را محفوظ نگهدارد. شرائط و صلاحیت حرفه‌ای وکلاء را مشخص و معین مینماید و بآنها اجازه اشتغال به وکالت میدهد و اقدامات انتظامی و سلب صلاحیت حرفه و بطور کلی بیمه اختیارات در امور مربوط به وکلاء دادگستری با کانون مزبور است. این کانون خط‌مشی و سیاست مربوط ب خود را مستقلاً و بدون نظارت هیچ مقامی تعیین مینماید و مقررات مربوط به شان وکالت دادگستری را تدوین مینماید و اصول و دستورالعمل‌های اخلاقی و اجتماعی را که بمنظور صیانت این حرفه پرشکوه تدوین نموده نظارت و رعایت میکند.

بدیهی است چنانچه خسارتی بر اثر غفلت و یا بی‌اطلاعی وکیل متوجه موکل گردد وکیل مسئول جبران آنست و این موضوع خود يك امر حقوقی است. در امریکا وکلاء حق تبلیغات حرفه‌ای بصورت درج در تابلو یا درج آگهی و مقاله در هیچ روزنامه و نشریه‌ای را ندارند.

خدمات وکیل دادگستری از نظر جامعه امریکائی توأم با ارزش و اهمیت ویژه‌ای است و بهمین جهت وکلاء دادگستری در رأس عالیترین مقامات اجرائی یعنی ریاست جمهوری قرار میگیرند و یا بصورت عالیترین مشاورین دولت در دسترس رؤسای جمهور و اعضاء کابینه مشاهده میشوند و نیز در همه شئون زندگی خدمات وکیل دادگستری بعنوان يك امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر تلقی و پذیرفته شده است. بطور خلاصه وکلاء دادگستری مورد احترام، اعتماد و اتکای جامعه هستند گرچه گاهی هم مورد انزجار و بی‌اعتمادی قرار میگیرند اما در هر حال مورد نیاز و احتیاج جامعه هستند. در جامعه‌ای که قانون حکومت کند جادارد که وکلاء دادگستری هم بالاترین قدرت‌ها را داشته باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

████████████████████
████████████████████
████████████████████